

# سمپوزیوم مطالعات بلوچی

بهروز محمودی بختیاری

## در دانشگاه اوپسالا

سمپوزیوم «برخوردهای زبانی در بلوچستان در ادوار تاریخی و مدرن» به همت گروه زبانهای آسیایی و آفریقایی دانشگاه اوپسالا سوئد در تاریخ ۱۷ تا ۲۰ آگوست ۲۰۰۰ تشکیل شد. این سمپوزیوم که دومین گردهم آیی پژوهشی دانشگاه اوپسالا در زمینه زبانشناسی بلوچی است، به همت دکتر کارینا جهانی (دانشیار دانشگاه اوپسالا)، دکتر گونیلگرن اکلوند (استاد دانشگاه اوپسالا) و خانم اگنس کورن (استادیار پژوهشی دانشگاه فرانکفورت) برگزار گردید. در این سمپوزیوم ۲۳ نفر در طول هفت جلسه به ایراد سخنرانی پرداختند و می توان گفت با توجه به تنوع موضوعات ارائه شده، این سمپوزیوم از کاملترین انواع خود در زمینه مطالعات زبانی یک منطقه خاص بود. در برنامه اولیه سمپوزیوم نام ۲۷ سخنران قید شده بود، که سخنرانی ۴ نفر از آنها به دلایلی انجام نشد. آنچه در زیر می آید، گزارشی است از جلسات برگزار شده سمپوزیوم اوپسالا.

پنجشنبه هفدهم آگوست ۲۰۰۰:

پنجشنبه روز افتتاح سمپوزیوم بود. مهمانان کنفرانس که همگی (به جز من) در روز چهارشنبه به سوئد وارد شده بودند، پیشاپیش در هتل محل اقامت خود مستقر شده بودند و جلسات توجیهی هم برای آنها گذاشته شده بود. اقبال من این بود که صبح زود پنجشنبه به

استکهلم رسیدم و بالاخره توانستم با تأخیری دو ساعته در محل حاضر شوم. جلسه اول سمپوزیوم به ریاست کارینا جهانی تشکیل شد که موضوع آن «زبان بلوچی در پاکستان» بود. سه بانوی برگزارکننده سمپوزیوم ابتدا جلسه را افتتاح کردند و به مهمانان خوش آمد گفتند. سپس سه نفر سخنرانی‌های خود را ارائه کردند.

نخستین سخنران، تیم فارل از موسسه تابستانی زبانشناسی در تیم انگلستان بود. فارل از علاقمندان جدی فرهنگ و زبان بلوچی است و علاوه بر ترجمه‌ی کتاب مقدس به زبان بلوچی، یک فرهنگ بزرگ انگلیسی - بلوچی نیز تألیف کرده است، که هم اکنون از منابع بسیار مستند و قابل استفاده برای علاقمندان و محققان محسوب می‌شود. سخنرانی او تحت عنوان «نفوذهای زبانی بر بلوچی منطقه کراچی»، اطلاعات ارزشمندی را در حوزه جامعه‌شناسی زبان بلوچی ارائه کرد. پس از پذیرایی چای، عبدالرزاق صابر، از دانشمندان کوئته پاکستان و سردبیر نشریه علمی *Baluchistan Review* در مورد «پاره‌ای از شباهتهای ساختواژی در زبان بلوچی و زبانهای براهویی» صحبت کرد. سخنران بعد، پل تایتس، بلوچ شناس شناخته شده از کشور نیوزیلند بود. از آثار او با کتاب تدوین کرده‌اش - *Marginality and Modernity: Ethnicity and Change in Post-Colonial Balochistan* (1996)

آشنا بودم و شیوه شفاف پژوهشش را بسیار پسندیده بودم. مقاله امسال او نیز با نام «تغییرات زبانی در مرزگفتاری بلوچ و پشتو»، ثابت کرد که با همان انرژی و ژرف نگری، مسائل مرتبط با تغییرات زبانی منطقه را زیر نظر دارد.

جلسه دوم سمپوزیوم پس از صرف نهار با نام «اقلیتهای بلوچ» و به ریاست گونیلگرن اکلوند تشکیل شد که در آن نیز سه سخنرانی کردند. سخنران اول خانم برنیس آرچر بود که در مورد «اکتساب یک رپورتوار چند زبانه در کوئته پاکستان» صحبت کرد. او در حال حاضر مشغول انجام مأموریتی آموزشی در پاکستان است. اما سخنران دوم کسی بود که از قبل (با مکاتبه) او را می‌شناختم و در واقع من و او جوانترین کسانی بودیم که در کنفرانس حضور داشتند. واهه بویاجیان، دانشجوی دوره دکترای ایران‌شناسی دانشگاه ایروان. جوان ۲۴ ساله‌ای که استادش، دکتر گارنیک آساطوریان در اینجا چهره شناخته شده ایست. واهه هم صمیمی است و هم مطلع. به زبانهای انگلیسی - فارسی - بلوچی - روسی و ارمنی با تسلط کامل صحبت می‌کند و اکنون هم مشغول نوشتن پایان‌نامه دکترای خود در مورد طوایف «گمشاد زهی» بلوچستان است. سخنرانی او تحت عنوان «مفهوم کلمه بلوچ در شاهنامه»، بحث و جدل‌های جالبی را در سالن کنفرانس برانگیخت.

هنگام تنفس و صرف چای و قهوه، دیگر کم‌کم آشنا شده بودیم و دیگر آنقدر غریب کنار هم

نمی‌ایستادیم. بدیهی است که در چنین مواقعی هم سن و سالها با هم عیاقت‌ترند، و بحث هم بیشتر بر سر علایق مشترک علمی است.

پس از تنفس، لوتس ژهاک، استاد دانشگاه برلین در مورد «بلوچی در افغانستان» صحبت کرد. ژهاک تحصیل کرده مسکو است و او هم به چندین زبان به خوبی صحبت می‌کند. در طول سمپوزیوم هم با دقت عجیبی تمام سخنرانیها را گوش می‌کرد و علیرغم کسالت شدیدی که داشت، مشارکت جدی خود در مباحث را رها نمی‌کرد.

پس از این سخنرانی، مراسم استقبال رسمی مقامات از مدعوین برگزار شد. در سالن ریاست دانشکده که در ساختمانی قدیمی و دیدنی قرار داشت، مورد استقبال صمیمانه رئیس دانشکده زبانهای خارجی قرار گرفتیم. ساختمانهای دانشگاه اوپسالا اکثراً بسیار قدیمی‌اند و شخص را بی‌اختیار قرن‌ها به عقب می‌برند، بطوریکه گاه جذابیت آنها مانع بذل دقت و توجه به سخنان ریاست دانشکده می‌شود! پس از شنیدن صحبت‌های مقامات دانشگاه و پذیرایی، برایمان تور دیدار از موزه دانشگاه را ترتیب دادند که حقیقاً از خاطرات فراموش نشدنی کنفرانس است.

موزه بسیار بزرگ دانشگاه، با آن راهنمای هیجان‌زده و بسیار پرانرژی، به ما نشان داد که دانشمندان سوئدی چگونه در گوشه‌ای از اسکاندیناوی، در کنار سرما و سکوت، خلاقیت‌های علمی و فرهنگی خود را نمایانده‌اند. به هر حال نخستین روز کنفرانس با پرباری کامل به پایان رسید.

### جمعه هجدهم آگوست ۲۰۰۰:

اسکاندیناوی ولایت غریبی است. گویی شب و روزش زیاد فرقی ندارد. وقتی صبح زود از خواب بیدار شدم، دیدم هوا همانست که سعدی گفته بود:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار  
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

برای پیاده‌روی بیرون رفتیم. هوا - که همیشه ابری بود - حالا دیگر میل باران داشت. در اواسط فصل تابستان، شروع پیشاپیش پاییز را می‌شد به روشنی در این شهر سرسبز دید. در خیابانها هیچ خبری نیست. چراغ کیوسکها روشن است، اما جز دوچرخه سواری یا بانوی سالخورده‌ای به همراه سگش، کسی در خیابان دیده نمی‌شود. باید اعتراف کرد که وقتی از منطقه خسته و تفتیده بلوچستان - که بدجوری با خشکسالی دست به گریبان است - به فاصله ۴۸ ساعت به اوپسالا می‌رسی، دیدن این همه سبزی، این همه آب و این همه نزولات آسمانی برایت هم شادی آور است و هم دلتنگ کننده. به یاد احشام پرشماری افتادم که در مسیر جاده سوزان بیرجند به زاهدان از تشنگی بر لب جاده هلاک شده بودند... خوب چه می‌شود کرد، دست کم در این

سحر زیبا باید از این آب و هوا و این شهر کوچک و سرسبز لذت برد...، به هتل بازگشتم. رستوران کوچک طبقه بالای هتل، که محل صرف صبحانه است، حالا دیگر برای خودش یک سالن کنفرانس است. همه همدیگر را پیدا کرده‌اند و بحث‌ها داغ شده‌اند، آدرس‌ها و شماره تلفن‌ها و کارتهای ویزیت رد و بدل می‌شوند و قرارها برای همکاریهای علمی آینده گذاشته می‌شوند. من هم با واهه بویاجیان و دکتر لودویگ پاول راجع به همکاریهای احتمالی مان در آینده صحبت‌هایی داشتم، بعد هم به سالن کنفرانس رفتیم.

جلسه روز جمعه با عنوان «زبان‌شناسی تاریخی» و به ریاست بواوتاس تشکیل شد. دکتر پاول که تازه از گفتگوهای دوستانه سر میز صبحانه فارغ شده بود، در مورد «موقعیت زبان بلوچی در میان زبانهای ایرانی غربی» صحبت کرد. او که در دانشگاه گوتینگن آلمان کار می‌کند، استادی جوان و بسیار فعال است - که یک هفته بعد در کنگره فردوسی در تهران هم دیدمش. به اعتقاد پاول، دسته‌بندی سنتی زبانهای ایرانی که اصولاً تصویری شود به این شکل باشد:

تالشی، بلوچی،

کردی،...

فارسی...

نمی‌تواند تصویر درستی از موقعیت پاره‌ای زبانها (من جمله بلوچی) ارائه کند. پاول توضیح داد که زبان بلوچی هزاران سال پیش از منطقه شمال غربی به منطقه جنوب شرقی کشور حرکت کرده است، لذا علیرغم آنکه در شرق ایران تکلم می‌شود، از زبانهای شمال غربی به حساب می‌آید. برای من، که زبان‌شناسی تاریخی را فقط در حد اطلاعات عمومی می‌دانم، این سخنرانی بسیار جالب و مفید بود. بعدها فهمیدم که تخصص اصلی دکتر پاول روی زبانهای منطقه غرب بویژه کردی و گونه «زازا» است که رساله دکتری‌اش را هم براساس همین گونه تألیف کرده است. سخنران بعدی اگنس کورن، یکی از اعضای تشکیل دهنده سمپوزیوم بود. او درباره «زبان بلوچی و مفهوم زبانهای ایرانی غربی» صحبت کرد. پس از صرف چای، با یک جابجایی مختصر در برنامه، بهروز برجسته دلفروز از دانشگاه سیستان و بلوچستان در زاهدان پیرامون «ساختار ستاکهای حال و گذشته در بلوچی در قیاس با فارسی باستان، میانه و جدید» صحبت کرد. آقای دلفروز کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی است و اکنون نیز مشغول تحصیل در دومین دوره کارشناسی ارشد خود در رشته آموزش زبان فارسی می‌باشد.

پس از برجسته، گونیلاگرن اکلوند، استاد هندشناسی دانشگاه اوپسلا در مورد «برخوردهای زبانی بلوچی با زبانهای هندی» برایمان سخنرانی کرد، که بسیار آموزنده بود.

جلسه دوم روز جمعه تحت عنوان عمومی «هویت قومی» به ریاست اگنس کورن تشکیل

شد. این جلسه از این جهت جالب بود که پس از استماع بحث‌های صرفاً زبانشناختی، فرصتی پیش آمد تا راجع به جامعه‌شناسی منطقه هم چند کلمه‌ای بشنویم. خانم نینا سویدلر، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایالتی نیویورک، با مقاله «دشواری تمییز دادن همسر از برده»، به طرح بحثی جامعه‌شناختی در مورد موقعیت زنان بلوچ - بویژه در منطقه افغانستان - پرداخت. سپس عظیم شه بخش در مورد «نژاد بلوچ و مهاجرت‌هایشان» صحبت کرد. سخنرانی آقای شه بخش با اعتراض خیلی از حاضران روبرو شد و تصور شخصی من این است که شه بخش - با تمام حسن نیتی که داشت - نتوانست مدعای خود را به اثبات برساند. به هر حال دیدارش برایم خاطره خوبی بود، و هنوز هم با او - که مشغول گذراندن دوره دکترایش در دانشگاه لندن است - مکاتبه دارم. سخنران بعدی، عنایت‌الله بلوچ، استاد دانشگاه هایدلبرگ بود که در مورد «هویت، درگیریهای قومی - زبانی و مرز نشینان بلوچستان» صحبت کرد.

پس از اتمام این سخنرانی، مهمانان در گروه زبانهای آسیایی و آفریقایی جهت تحویل بلیط‌ها و دریافت هزینه‌های سفرشان جمع شدند. برای من فرصتی بود که بتوانم گشتی در گروه بزنم و با بخشهای مختلف آن آشنا شوم.

گروه زبانهای آسیایی و آفریقایی، در کنار گروههای انگلیسی، آلمانی، فیلولوژی، زبانهای اسکاندیناوی، زبانهای اسلاوی، زبانهای رومانیایی و زبانشناسی، دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اوپسالا را تشکیل می‌دهند. هر گروهی حال و هوای خودش را دارد. فضاها شرقی و غربی در گروه زبانهای آسیایی و آفریقایی با هم به همزیستی زیبایی رسیده‌اند. تصاویری از ایران، دانشمندان ایرانی (مانند شادروان دکتر احمد تفضلی) در کنار صنایع دستی زیبایی که در گوشه و کنار دیده می‌شوند، دیوارهای گروه را به چشم من بسیار آشنا کرده بودند. کتابخانه دانشکده هم با امکانات بسیار مطلوب در طبقه همکف قرار دارد که می‌توان با جستجوی عنوان Iranian Studies به فهرست بلند بالایی از کتاب‌ها و مراجع مورد علاقه دست یافت. همانجا بود که خلاء کتاب‌ها و فرهنگ‌های آموزشی زبان فارسی را جهت استفاده در چنین اماکنی احساس کردم. تهیه منابع درسی مناسب برای کسانی که این چنین با علاقه به فرهنگ و زبانهای ما پرداخته‌اند، از وظایف بنیادی ماست. پس از دریافت هزینه‌ها و انجام تسویه حسابها، برای ضیافت شام سمپوزیوم به رستورانی بنام Eklundshof رفتیم، که رستورانی سنتی و قدیمی است و به گفته میزبانانمان نماینده کامل زندگی سوئدی سده‌های گذشته می‌باشد.

در جریان صرف شام، با دکتر کارینا جهانی - که حقیقتاً این سمپوزیوم از آن اوست - گفتگوی مفصلی داشتم. در طول حرفهایش به عمق ایمان دینی او پی بردم. خانم جهانی یک مسیحی پرهیزکار و مومن است و احترام ویژه‌ای نیز برای ما مسلمانان قائل است. او همواره خود را

برخوردار از «فضل الهی» می‌داند، همان فضلی که او را در مسیر مطالعات پژوهشی در زمینه فرهنگ و زبان بلوچی قرار داده است. با هم قرار گذاشتیم که گفتگویی برای مجله بخارا با هم داشته باشیم. پس از صرف غذا، پروفیسور اوتاس در بیانات کوتاهی از حضور مهمانان در سمپوزیوم سپاسگزاری کرد. باید اعتراف کنم که دیدار این دانشمند پرشور و ایران دوست که سالها یک تنه فرهنگ ایرانی را در سوئد رواج داده است برایم بسیار مغتنم بود. تمام استادان فعلی فارسی و مطالعات ایرانی اوپسالا، شاگردان سابق پروفیسور اوتاس هستند. در ذهنم آثار اوتاس را مرور کردم. مقاله درخشانش در مجله Edebiyat درباره زیبایی شناسی شعر فارسی و شرح مبسوط او بر «طریقه التحقیق» و آثار ارزشمندش در مورد عنصری به یاد آمد. همین باعث شد که پس از پروفیسور صابر بدل خان - که به نمایندگی از استادان پاکستانی صحبت کرد - من هم به نیابت از هموطنان شرکت کننده در سمپوزیوم با چند کلمه از لطف و مهمان‌نوازی دوستان سوئدیمان سپاسگزاری کنم.

این اظهار محبت‌ها، جلسه را از ضیافتی رسمی به محفل انس تبدیل کرد. به شکلی که عملاً پس از شام، شب شعر فارسی تشکیل شد، که به اشاره پروفیسور اوتاس غزلهایی از حافظ را به همراه اشعاری از نادرپور و فروغ برای حضار دکلمه کردم. چند شعر بلوچی هم شنیدیم و روز هجدهم آگوست را با خاطره‌ای زیبا به پایان بردیم. چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی!

### شنبه ۱۹ آگوست ۲۰۰۰

روز افتادن خیاط در کوزه! من نخستین سخنران جلسه اول روز نوزدهم بودم، که تحت عنوان عمومی «برخوردهای زبانشناختی فارسی و بلوچی» به ریاست تیم فارل تشکیل شد. صحبت من «بررسی مقابله‌ای زمان دستوری فعل در بلوچی و فارسی معیار» بود، که امتداد مسیری است که در مطالعه زمان دستوری فعل زبانهای ایرانی از دوران دانشجویی کارشناسی ارشد آغاز کرده‌ام. ارزیابی‌اش به عهده دوستان.

خستگی سخنرانی اول را کارینا جهانی با سخنرانی جالبش در مورد «نظام حالت در بلوچی: تقلیل حالت در نتیجه برخوردهای زبانی»، از تن شرکت کنندگان بیرون کرد. خانم جهانی مدتی است که بطور جدی روی نظام حالت (Case) در بلوچی کار می‌کند و در واقع این سخنرانی، گزارش دستاوردهای او تا این مرحله از مطالعاتش بود. پس از تنفس به صحبت‌های نادر احمدی، دانشجوی رشته زبانهای ایرانی دانشگاه اوپسالا و شاگرد خانم جهانی گوش کردیم. احمدی که خودش از بلوچهای سراوان است، بحثی جامعه‌شناختی در مورد «نفوذ زبان فارسی بر بلوچی لهجه سراوان» ارائه کرد، که اگر کاملتر شود و بر مثالهایش افزوده شود، می‌تواند مقاله بسیار خوبی باشد. سخنران بعد، آقای موسی محمد زهی، مدرس دانشگاه سیستان و بلوچستان بود.

فارغ التحصیل دوره دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی بود که مقاله‌ای بنام «برخوردهای زبانی در بلوچستان ایران در ادوار تاریخی و مدرن» ارائه کرد. این مقاله هم با وجود ارزشهایی که داشت، متأسفانه تا حدی تحت تأثیر احساسات ملی و منطقه‌ای نوشته شده بود. احساساتی از این دست - که خود من هم متأسفانه به آن مبتلا هستم - معمولاً باید در فعالیتهای علمی کنار گذاشته شوند.

جلسه دوم روز ۱۹ آگوست «برخوردهای زبانی و واژگان» نام داشت، به ریاست پل تایتس عبدالرزاق ریگی از بوراس سوئد، محقق مستقلی بود که در مورد «نفوذ فارسی بر بلوچی از زمان کلات تا هنگام ظهور رسانه‌های گروهی» صحبت کرد. ابهام مقاله در سطحی بود که از او خواسته شد برای مجموعه مقالات سمپوزیوم، آنرا مورد بررسی مجدد قرار دهد. سخنران بعد، عبدالحسین یادگاری از خاش بود که یک منبع متحرک از اطلاعات مربوط به لهجه‌های بلوچی، واژگان و فرهنگ منطقه بلوچستان است. او که کارشناس ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه ادینبرو است، هم اکنون به فعالیتهای فرهنگی و مطبوعاتی در خاش و زاهدان مشغول است. او هم در مورد «ارتباطات زبانی و واژگان زبان: یک بحث عمومی» صحبت کرد. او در جریان صحبت‌هایش اظهار امیدواری کرد که در نتیجه تحولات فرهنگی اخیر در ایران، به مسئله آموزش و گسترش زبان و فرهنگ بلوچی توجه بیشتری مبذول شود.

۳۳۳

یکی از جالب‌ترین سخنرانی‌هایی که شنیدم، سخنرانی صابر بدل خان، استاد زبان بلوچی دانشگاه ناپل بود. بدل خان، علاوه بر منش و اخلاق بسیار صمیمانه‌اش، محقق ژرف‌نگر و دقیقی هم هست. عنوان سخنرانی او «ارتباط زبانی بلوچها با همسایگانشان و تاثیر این ارتباط بر فرهنگ نامگذاری آنها» نام داشت. او ابتدا به ویژگی‌های اسامی بلوچی اشاره کرد، به تاریخچه نامگذاری پرداخت و «تابو»های نامی بلوچها را تشریح کرد؛ که مثلاً چرا اسامی «یکشنبه» و «سه‌شنبه» برای هیچ کودکی در منطقه انتخاب نمی‌شود. همگی با دقت و لذت گوش کردیم و استفاده بردیم.

عصر روز شنبه در یکی از سالنهای دانشکده، شب شعر بلوچی برگزار شد که در آن صبا دشتیاری و عزیز دادیار، به همراه چند علاقمند دیگر به دکلمه اشعار بلوچی پرداختند. عجیب اینجا بود که شعر بلوچی برای من که در مطالعات بلوچی هنوز آماتور هم نیستم بسیار دلنشین بود... «به دل نشستن سخنی که از دل بر می‌آید»، نه غلو است، نه شوخی.

یکشنبه ۲۰ آگوست ۲۰۰۰:

روز آخر سمپوزیوم یک جلسه سخنرانی داشت و یک جلسه بحث و بررسی. رئیس جلسه سخنرانی، صابر بدل خان بود و خود جلسه «هویت فرهنگی بلوچی و صورت‌های نگارش این



زبان» نام داشت. عبدالصمد امیری، محقق مستقل از کشور امارات متحده عربی در مورد «استقرار بلوچها در منطقه خلیج فارس و تلاش آنها برای حفظ و احیای زبانشان» صحبت کرد. او به دلایل حضور و مهاجرت بلوچها به کشورهای خلیج فارس پرداخت و نشان داد که ارتباط بلوچان با مردم منطقه خلیج (بویره سلطان نشین عمان) از قرن هجدهم برقرار بوده است.

او در این مقاله مهاجرت بلوچان به آفریقا را نیز مورد بررسی قرار داد و گزارشی از بلوچان مستقر در تانزانیا ارائه کرد. لازم به ذکر می‌دانم که قرار بود مقاله جداگانه‌ای در مورد «بلوچهای کنیا و تانزانیا» توسط عبدالحسین لُدھی، استاد زبان سواحیلی دانشگاه اوپسالا ارائه شود که متأسفانه این کار انجام نشد.

پس از عبدالصمد امیری، محمد اشرف سربازی، گوینده سابق رادیو زاهدان و شاعر بلوچ پشت تریبون قرار گرفت و صحبت کوتاهی تحت عنوان «اشاراتی در مورد نگارش بلوچی با خط لاتین» مطرح کرد که خیلی مورد توجه قرار نگرفت، چرا که این مشکل برای فارسی هم وجود دارد و دیگر کم‌کم به این نتیجه رسیده‌ایم که تغییر خط نمی‌تواند راه حل مشکلات موجودمان باشد.

آخرین سخنران سمپوزیوم، صبا دشتیاری مدرس فلسفه دانشگاه بلوچستان در کوئته پاکستان بود. دشتیاری محقق بسیار فعالی است و در میان بلوچان خودمان نیز محبوبیت ویژه‌ای دارد. او که مشغول تدوین کتابی در مورد محققان غیر بلوچ زبان بلوچی است، در جریان سمپوزیوم با تک‌تک مهمانان گفتگو می‌کرد و سوابق پژوهشی آنها را یادداشت می‌کرد. سخنرانی او «تاریخچه مختصر مطبوعات بلوچی» نام داشت، که در آن به ظهور نخستین مجله‌های بلوچ زبان اشاره کرد و اضافه کرد که از سال گذشته نیز انتشار روزنامه‌ای به زبان بلوچی در پاکستان آغاز شده است. صحبت‌هایش خیلی پرمحتوا بود و این انگیزه را هم در ما ایرانیان بوجود آورد که نسبت به گسترش مطبوعات به زبانهای بومی مثل بلوچی در ایران اهتمام بیشتری داشته باشیم.

با پایان یافتن سخنرانی دشتیاری، سمپوزیوم دوم مطالعات بلوچی نیز رسماً به پایان رسید. کارینا جهانی در بیانات پایانی خود ضمن جمع‌بندی سخنرانیهای ارائه شده، از حضور سخنرانان و همکاری دوستان و همکارانش در گروه زبانهای آسیایی و آفریقایی دانشگاه اوپسالا تشکر کرد و اظهار امیدواری کرد که مجموعه مقالات سمپوزیوم تا پایان سال آینده منتشر شود. همچنین خبر از سمپوزیوم سوم برای سال ۲۰۰۱ داد، که امیدوارم آن هم به خوبی سمپوزیوم دوم باشد. جلسه بحث و بررسی روز آخر که در عصر یکشنبه تشکیل شد، اختصاص به بررسی پروژه نگارش یک فرهنگ بلوچی - انگلیسی جامع داشت که با حضور آدریانوروسی و الافیلیپونه،



استادان شرق شناس دانشگاه ناپل تشکیل شد. ابتدا مدعوین جلسه به ارائه تجربیات خود در زمینه نگارش فرهنگ‌هایی از این دست پرداختند، و سپس امکانات و موانع موجود در مسیر کار بررسی شد و وظایف تقسیم شدند. این جلسه روز دوشنبه هم ادامه یافت، و در جریان آن اعضا متعهد شدند تا هر کدام به اقتضای توان علمی یا اجرایی خود، در اختیار پروژه باشند. غروب روز دوشنبه ۲۱ آگوست، پایان دیدار دوستانه ما در اوپسالا بود. با خاطراتی بسیار خوش از یکدیگر خداحافظی کردیم، تا انشالله گردهمایی‌های آینده... گردهمایی‌هایی که امیدوارم لااقل یکی از آنها در ایران، سرزمین بلوچان مهمان دوست و صمیمی باشد.



## یادآوری برای مشترکان محترم

با ارسال این شماره بخارا اشتراک مشترکین سال دوم به پایان می‌رسد. چنانچه مایل به دریافت مجله در سال سوم هستید خواهشمندیم هر چه زودتر وجه اشتراک خود را بپردازید.

بخارا از جمله مجلاتی است که از درآمد اشتراک، نفسی به سختی می‌کشد و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند.